

زکات در آیین قرآن و حدیث

<?xml encoding="UTF-8">

مقدمه

زکات از مصادیق بارز صدقات است که به عنوان پشتوانه مالی برنامه های اجتماعی، در اصلاح ساختار جامعه و تطهیر زندگی، تزکیه نفوس و تألیف قلوب مردم، نقش به سزایی دارد. کثرت وجود تعبیر بلند و عبرت آموز از قبیل بلا گردان فرد و جامعه، زمینه ساز نزول رحمت و برکت، عامل توسعه عمر و گسترش زندگی، تجارت مستقیم با خداوند، ذکر عملی و... که در لسان آیات و روایات، عمق باور مؤمنان و عرف جامعه، در شأن این واجب الهی، جاری و ساری است از جایگاه ویژه این عبادت اجتماعی و ضرورت اهتمام به آن خبر می دهد.

ساختار و معنای لغوی زکات

«زاء و کاف و حرف عله» به عنون حروف اصلی این کلمه، دلالت بر نماء و زیادی دارد و به مفهوم رشد و نمو کردن و زیاد شدن می باشد. (1)

خلیل بن احمد درباره معنای لغوی زکات می گوید: زکات مال به معنای پاک کردن آن است و جمله «زکا الزرع یزکو زکاء» به معنای رشد کردن کشتزار و محصولات می باشد. (2)

راغب اصفهانی اصل زکات را به معنای رشدی که از برکت خداوند به دست آمده می داند. (3)

مرحوم استاد علامه طباطبایی رحمه الله می نویسد: «معنای لغوی زکات تطهیر می باشد.» (4)

در مصباح الفقیه نیز آمده است: «زکات در لغت به معنی طهارت و نمو است.» (5)

از مجموعه اقوال فوق به دست می آید که معنای لغوی زکات در اصل، رشد کردن می باشد و به طور کلی خلاصه چیزی یا برگزیده آن را می گویند. (6)

معنای اصطلاحی زکات

زکات از نظر شرع - به عنوان یکی از فروع دین - بیرون کردن اندازه معینی از مال، که به حد نصاب رسیده باشد و دادن آن به مستحقان، و بدین نام نامیدن، به امید برکت یافتن و یا برای پاکیزه کردن نفس یا نمو دادن به خیرات و برکات است. (7)

زکات در اصطلاح فقهی پرداخت مقدار معینی از مال است که در قرآن کریم معانی عامی دارد و به کمکهای واجب و مستحب گفته می شود.

اهمیت زکات

روزی حضرت امام صادق علیه السلام آداب و نحوه گرفتن زکات را که در نامه 25 نهج البلاغه آمده است، از قول حضرت امام علی علیه السلام نقل می کرد، در اثنای آن گریه کرد و فرمود:

«به خدا سوگند حرمتها را شکستند و به کتاب خدا و سنت پیامبرش عمل نکردند.» (8)

در اهمیت زکات همین بس که یکی از پایه های دین مبین اسلام شمرده شده و به عنوان درمان دردهای اقتصادی جامعه محسوب می شود؛ چنان که اگر برای عضوی از بدن کسی ناراحتی ای پیش بیاید او را از حرکت می اندازد، در جامعه نیز اگر گروهی با مشکلات مالی روبه رو شوند، حرکت آن جامعه فلج می شود. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

«خداوند به من نعمتهایی داده است که دائماً نگران آن هستم تا حقوقی را که نسبت به آنها بر من واجب کرده است، پرداخت کنم. سؤال شد: شما نیز با آن مقام بزرگی که دارید به سبب تأخیر زکات از خدا می ترسید؟ فرمود: بله.» (9)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند بر این امت چیزی را سخت تر از زکات واجب نکرده است و هلاکت بیش تر امتهای به علت نپرداختن آن است.» (10)

همچنین در قرآن کریم آمده است:

«هنگامی که صالحان به حکومت برسند، اولین برنامه آنان اقامه نماز و پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر است.» (11)

رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند یاد کرد که جز مشرک کسی در مورد پرداخت زکات خیانت نمی کند. (12) نیز فرمود: یا علی! ده گروه از امت من کافر می شوند که یکی از گروهها کسانی هستند که زکات نمی پردازند. (13)

ایشان در آخرین خطبه خویش نیز به مردم فرمود: ای مردم! زکات اموال خود را بپردازید و هر که زکات نپردازد، برای او نه نمازی است و نه حجی و نه جهادی. (14)

از نظر آن حضرت، زکات عامل از بین بردن گناهان محسوب می گردد:

«الزَّكَاةُ تُذْهِبُ الذُّنُوبَ» (15)

آری! زکات در برزخ در کنار نماز تجسم یافته و مونس انسان می شود و توجه بدان از وظایف مهم شرعی و اسلامی ماست زیرا:

1 - با پرداخت آن درهای بهشت را به روی خود گشوده و خود را از صفت مذموم بخل می رهانیم؛ (16)

2 - زکات، کلید دریافت رحمت الهی در روزی است؛ (17)

3 - زکات، سیر کردن فقر است و سیر کردن فقرا، رمز سیر بودن در قیامت و روز محشر است؛ (18)

4 - زکات، مدال افتخار اسلامی بودن آدمی است که نپرداختن آن علامت خارج شدن از مدار ایمان و اسلام است؛ (19)

5 - نپرداختن زکات، خیانت به خدا و شرک است و این گونه افراد در حکومت جهانی حضرت امام عصر علیه السلام به مرگ محکوم می شوند؛ (20)

6 - از اولین وظایف حکومت صالحان رسیدگی به فقرا در سایه پرداخت زکات است:

«الذین ان مکنّاهم فی الارض أقاموا الصّلاة و آتوا الزّكاة» (21)

7 - با پرداخت زکات، سلام و صلوات پیامبر را دریافت می داریم؛ چون خداوند به پیامبر فرموده: زکات مردم را بگیر و بر آنها درود فرست؛ (22)

8 - دریافت کننده زکات در ظاهر فقرا هستند، ولی در واقع خداوند است و این اهمیت برجسته زکات را می رساند. (23)

ادله وجوب زکات

الف: آیات محکم قرآنی

در قرآن کریم واژه زکات به همراه مشتقاتش 59 مرتبه در 29 سوره و 56 آیه به کار رفته، که 27 مورد در کنار نماز آمده است.

به طور کلی آیات مربوط به زکات در قرآن شامل موارد ذیل است:

1 - دسته ای از آیات، اصل زکات را مطرح کرده و آن را در ردیف نماز قرار داده اند و پرداخت زکات را مانند اقامه نماز واجب دانسته و از شعائر دینی و علائم ایمان به حساب آورده اند؛

2 - آیاتی هستند که به دادن زکات امر نموده و آن را به عنوان معامله با خدا قلمداد نموده اند؛ (24)

3 - برخی از آیات نشان دهنده تشریع اصل این فریضه عبادی و اقتصادی هستند و به طور کلی درباره این که چه مقداری گرفته شود و در چه موردی گرفته نشود، ساکت می باشند، که ظهور دارد در این که زکات در کل اموال لازم است؛

4 - برخی از آیات، مصارف زکات را به طور دقیق شمارش نموده اند و رهبری امت اسلامی باید زکات مأخوذه را در این مصارف به کار بیندازد؛ (25)

5 - برخی از آیات کسانی را که زکات نمی دهند در ردیف کفار قلمداد کرده اند. (26)
علامه طباطبایی رحمه الله آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...» (27) را آیه وجوب زکات دانسته و نوشته است:

«این آیه شریفه متضمن حکم زکات مالی است، که خود یکی از ارکان شریعت و دین اسلام است؛ هم ظاهر آیه این امر را می رساند و هم اخبار بسیاری که از طریق ائمه اهل بیت علیهم السلام و از غیر ایشان نقل شده است.» (28)

ب: روایات

در بحث اهمّیت زکات به برخی از آنها اشاره نمودیم؛ از آنجا که روایات معتبر بی شماری درباره وجوب زکات از معصومان علیهم السلام نقل گردیده لازم است به برخی دیگر از آنها اشاره کنیم:
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :

«الزّكاة قنطرة الاسلام فمن اداها جاز القنطرة و من منعها احتبس دونها و هی تطفی ء غضب الرّب.» (29)

«زکات پل اسلام است؛ هر کس آن را پرداخت کند از پل می گذرد و هر کس آن را منع کند به سبب آن محبوس است و زکات خشم پروردگار را خاموش می کند.»

حضرت امام صادق علیه السلام :

«الشَّارِقُ ثَلَاثَةٌ: مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَحِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مِنْ اسْتِدَانٍ وَ لَمْ يَنْوَ قَضَائِهِ» (30)

«ربایندگان [اموال مردم] بر سه دسته اند: کسی که زکات نمی دهد، کسی که مهر زنان را می خورد و کسی که قرض می کند و نیت پرداخت آن را ندارد.»

حضرت امام صادق علیه السلام :

«مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْهُ اِنْ شَاءَ يَهُودِيَا وَ اِنْ شَاءَ نَصْرَانِيَا» (31)

«کسی که ذره ای از زکات را ندهد یا یهودی یا نصرانی می میرد.»

در کتب عامه نیز آمده است:

«زکات رکنی از ارکان پنجگانه اسلام است و بر هر کس که شرایط آن را داشته باشد، واجب عینی است و به احادیث زیادی استناد شده که از جمله آنها قول پیامبر است که فرمود: بنی الاسلام علی خمسٍ، و سپس از جمله پنج مورد، ایتاء زکات را ذکر کرده است.» (32)

ج: اجماع

در اتفاق فقها بر این که زکات، واجب و ضروری است، جای هیچ تردیدی نیست و علمای اهل سنت نیز گفته اند: «...و اما اجماع امت متفقند بر این که زکات با شرایط مخصوص، رکنی از ارکان اسلام است.» (33)

مرحوم صاحب جواهر نیز نقل کرده که وجوب زکات یکی از ضروریاتی است که از استدلال به آیات و روایات بی نیاز است.

وی سپس منکر آن را در زمره کفار شمرده و به احادیث بسیاری استدلال کرده است. (34)

زکات مخصوص دین اسلام نیست

زکات علاوه بر دین اسلام در ادیان پیشین نیز بوده است؛ یعنی زکات به همراه نماز از مشترکات همه ادیان آسمانی است و آیات بسیاری در قرآن کریم گواه این مدعاست. (35)

با بررسی آیات و روایات در می یابیم که زکات در اسلام همانند زکات در دیگر ادیان الهی نیست که صرفاً مبتنی بر یک نوع وصیت و سفارش اخلاقی باشد؛ بدین جهت که مردم رغبت به برّ و نیکی پیدا کنند و از بخل بپرهیزند، بلکه فریضه ای الهی است و بی اعتنایی به آن فسق است و منکر وجوب آن، کافر می باشد. (36)

موارد زکات

در روایات معصومان علیهم السلام زکات بر نه چیز واجب شمرده شده است:

«یک صنف نقدینه یعنی طلا و نقره، صنف دیگر اغنام سه گانه، یعنی شتر و گاو و گوسفند؛ نوع سوم غلات چهار گانه، یعنی گندم، جو، خرما و کشمش.» (37)

از جمله آنها می توان به روایت ذیل اشاره نمود. امام باقر و امام صادق علیهما السلام :

«فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءٍ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِصَّةِ وَ الْأَبْلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحَنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ الزَّبِيبِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.» (38)

«خداوند زکات اموال را به همراه نماز واجب کرد و پیامبر آن را در نه چیز قرار داد: در طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش، و غیر اینها را معاف کرد.»

در فتاوی مشهور فقها نیز با استناد به روایات، همین تهِ چیز بیان شده است. (39)

موارد مصرف زکات

در بیان تعیین موارد مصرف زکات اکثر مفسران بدین آیه استناد نموده اند و در این موارد، اختلافی نیست:

«أَمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (40)

«صدقات، منحصر در این موارد هشت گانه به مصرف می رسد:

1 - فقرا؛

2 - مساکین؛

3 - متصدیان اداره صدقات و مأموران جمع آوری زکات؛

4 - افرادی که به وسیله کمکهای مالی، تمایل بیش تری به اسلام پیدا می کنند و تألیف قلوب در آنها به وجود می آید؛

5 - کسانی که برده هستند و برای آزادی آنها از زکات استفاده می شود؛

6 - بدهکاران؛

7 - هر امری که رضای خداوند در آن باشد؛

8 - افرادی که در راه مانده اند و درمانده شده اند.» (41)

آثار فردی زکات

1 - درمان بخل. پرداخت زکات آدمی را از صفت مذموم بخل می رهاوند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس زکات مال خود را بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است.» (42)

در اهمیت دوری از بخل آمده که یکی از امامان معصوم را دیدند که از اول شب تا صبح در حالی که مشغول طواف خانه کعبه بود، تنها یک دعا می کرد و آن این بود که خدایا مرا از بخل دور بدار. (43)

2 - کلید برکت و ازدیاد رزق. واژه زکات و برکت به طور مساوی در قرآن ذکر شده اند و در روایات نیز آمده است:

«الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»

«زکات روزی انسان را زیاد می کند.» (44)

3 - بیمه کردن مال. امام کاظم علیه السلام فرمود:

«اموال خود را از طریق زکات بیمه کنید.» (45)

4 - زکات دهنده محبوب ترین فرد نزد خداوند است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«محبوب ترین فرد نزد خداوند، سخاوتمندترین آنان است و سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مال خود را

بدهد و از آنچه خداوند در مال او واجب نموده است، در مورد مؤمنان بخل نکند.» (46)

5 - وسیله تقرب به خداوند است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند زکات را همراه با نماز وسیله تقرب مسلمانان به خود قرار داده است.» (47)

6 - راه رسیدن به رحمتهای خاص الهی است. در قرآن کریم آمده است:

«رحمت پروردگار بر هر چیزی گسترده است، ولی دریافت قطعی آن مخصوص کسانی است که اهل تقوی و ایمان

و زکات باشند.» (48)

7 - وسیله باز شدن گره هاست. قرآن کریم می فرماید:

«و اما من اعطی و اتقى و صدق بالحسنى فسنيسره لليسرى» (49)

«هر کسی بخشش نماید و پرهیزکار باشد و حقیقت را تصدیق نماید، ما کارهای مشکل او را آسان می کنیم.»

8 - مایه فرو نشاندن غضب الهی و کفاره گناهان است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«الله، الله فى الزكاة، فانها تطفى غضب ربكم» (50)

«شما را به خدا، شما را به خدا درباره زکات [دقت کنید] که به تحقیق غضب پروردگار را فرو می نشاند.»

در قرآن کریم نیز آمده است: اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید، من بدهیهای شما را می پوشانم. (51)

9 - نشانه کمال اسلام و ایمان است.

«تمام اسلامکم اداء الزكاة» (52)

«با ادای زکات اسلام شما کامل می شود.»

«...سبعة من كن فيه فقد استكمل حقيقة الايمان... و ادى زكاة ماله» (53)

«هفت صفت است که در هر کس باشد به کمال حقیقی ایمان رسید است... و ادای زکات مال [از آن جمله

است].»

پیامبر اسلام به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«علامت و نشانه مؤمنان در سه چیز است: نماز، روزه و زکات.» (54)

10 - شرط رهایی از کفر است. کفار، با توبه و نماز و زکات می توانند خود را برهانند:

«و ان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزكاة فخلوا سبيلهم» (55)

11 - سبب گشایش برای مردگان است. شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: برادرم از دنیا رفته است و زکات

زیادی به عهده اش بود، من آنها را پرداخت کردم، امام فرمود: «با این عمل مشکل او بر طرف می شود.» (56)

12 - سبب استجابت دعا می باشد. (57)

13 - موجب قبولی نماز است. (58)

14 - مایه جاودانگی و شیرینی زندگی است.

15 - نشانه قوام و استواری مکتب است. (59)

16 - پرداخت زکات، شکر نعمت الهی است که زکات دهنده با پرداخت آن، این نگرانی که خود مثل فقرا شود را

برطرف می نماید. (60)

17 - آرامش و خواب راحت را برای آدمی به ارمغان می آورد. (61)

آثار اجتماعی زکات

1 - تقویت برادری، تعمیق روابط و کینه زدایی.

با پرداخت زکات رابطه عاطفی میان افراد عمیق تر شده و مفهوم آیه «انما المومنون اخوة» (62) بهتر مورد توجه

و عمل قرار می گیرد. قرآن کریم می فرماید:

هرگاه مخالفان شما توبه کنند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند، آنها هم در جامعه برادر دینی شما هستند. (63)

همچنین با پرداخت زکات، آداب دوستی هر چه بهتر و بییش تر مراعات شده و شعله مهر و محبت در دلها فروزان

می شود و این دوستی و محبت در تعاون و یاری رساندن به یکدیگر و حفاظت از دستاوردهای جامعه اسلامی نقش مهمی دارد.

2 - تقویت بنیه دینی مردم. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

«فلسفه پرداخت زکات، قوت فقر و تقویت و کمک رسانی در امور دینی آنهاست.» (64)

از محل زکات جمع آوری شده می توان مدارس، کتابخانه ها، مساجد و سایر مراکز دینی و فرهنگی را ایجاد نمود و یا آنچه را که قبلاً احداث شده است، توسعه داد و با دعوت از کارشناسان دینی و علما و اساتید، پایگاه علمی و اعتقادی مردم را تقویت نمود.

3 - فقر زدایی، حل مشکلات و محو نمودن مفسد اجتماعی. یکی از راههای مهم مبارزه با فقر، گرسنگی، کمبودها و مشکلات یا نابسامانی های اجتماعی توجه جدی به مسئله زکات می باشد. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هیچ فقری گرسنه نمی ماند مگر به سبب آنکه توانمندی حق خدا را نمی پردازد و خداوند در روز قیامت توانمند را به همین دلیل بازخواست خواهد کرد.» (65)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ محتاج و گرسنه و برهنه ای در جامعه وجود نخواهد داشت، مگر به سبب گناهان اغنیا.» (66)

با ریشه کنی فقر از جامعه، قهرا بسیاری از مفسد اجتماعی نیز محو خواهد شد و زمینه های وقوع سرقت، دریافت رشوه، خیانت و... از بین می رود.

با پرداخت زکات سرمایه ها نیز تعدیل می گردد و ریشه کینه و فقر در جامعه خشکانده می شود.

آری! اگر مردم زکات مال خود را بپردازند، چرخهای اقتصاد به گردش در آمده و بیکاری که زمینه ساز بسیاری از مفسد اجتماعی است از جامعه رخت بر می بندد و تمام افراد بیکار شاغل می گردند و از انزوا و گوشه گیری، ناامیدی و بدبینی و حقارت رهایی یافته؛ تلاش، نشاط و حضور در صحنه ها جایگزین آنها می شود. (67)

4 - دفع بلا از امت و اقتدار امت اسلامی. اگر کمبودها از طریق مالیاتهای اسلامی و زکات تأمین شود، افراد جامعه به یک نوع رفاه نسبی دست می یابند. در نتیجه دلها نسبت به هم مهربان و نیرهای انسانی متمرکز می گردند و همه پشتیبان یکدیگر خواهند بود.

افراد چنین جامعه ای دارای صلابت و اقتدارند و در مقابل نقشه های دشمنان و تهدید و تطمیع آنان بیمه خواهند بود.

همچنین جبران کمبودها از طرف پرداخت کنندگان مخلص و اجرای این کار الهی از طریق مراجع دینی، سبب آرامش، دلگرمی و اتصال به علمای ربّانی خواهد شد که این امر نیز خود وسیله اقتدار و عزت اسلامی و ملی می باشد. (68)

در قرآن کریم آمده است:

«و لولا دفعُ الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض و لكن الله ذو فضل على العالمين» (69)

در ذیل این آیه، حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«قطعا خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می دهند، انواع بلاها و خطرات را از سایر مردم دفع می کند و اگر زکات این گروه نبود، همه یکجا نابود می شدند.» (70)

5 - حفظ آبرو و جذب دیگران. در بسیاری از موارد، فقر آبروی انسان را در معرض خطر قرار می دهد و زکات، فقر را از بین می برد و آبروی انسانها را حفظ می کند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی که در خط فکری ما نیست و از دنیا رفته و اطفال فقیری را به جا گذاشته، آیا می توانیم از زکات به آنها بدهیم؟ فرمود:

«بله، آن اطفال گرسنگانی هستند که تقصیری ندارند و در راه پدر منحرف خود حرکت می کنند و باید آبرو و موقعیت آنان در جامعه حفظ شود و زندگی آنها تا رسیدن به حد بلوغ و رشد لازم تأمین گردد. اما اگر این اطفال بالغ شدند و حق را فهمیدند ولی با لجاجت از آن دست کشیدند، از زکات به آنها ندهید؛ زیرا سزاوار نیست زکات از افراد مؤمن گرفته و به منحرفان لجوج داده شود.» (71)

در مورد جذب دیگران از طریق زکات باید گفت که اسلام، مصرف زکات را برای هشت گروه لازم دانسته و یک دسته از آنان افرادی از رؤسا و سرشناسانی هستند که اگر حمایت‌های مالی از آنان به عمل آید، ابتدا خودشان و سپس قبیله آنان به اسلام جذب می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز سهمی از زکات را به رؤسای قبایل می دادند (72) و در هر زمان ولی امر مسلمین می تواند این کار را انجام دهد.

از همین سهم که به نام «مؤلفه قلوبهم» در قرآن مطرح شده، می توان مقداری به مسلمانان ضعیف الایمان پرداخت کرد که اگر به حال خود رها شوند، وسوسه های دشمنان در آنان ایجاد شک می نماید. اسلام برای پایداری آنان در دین، مشکلات اقتصادی ایشان را حل می کند. (73)

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «مؤلفه قلوبهم» گروهی هستند که توحید را پذیرفته و از مدار شرک خارج شده اند، ولی هنوز معرفت محمد صلی الله علیه و آله در قلبشان رسوخ نکرده است. پس پیامبر اسلام و بعد از آن حضرت، مؤمنان، باید سهمی از زکات را صرف این گونه افراد کنند تا محبت و معرفت آنان تثبیت شود. (74)

آثار ترک زکات

ترک کردن زکات آثار زیانباری برای تارک آن دارد که عبارتند از: تلف شدن اموال، خسارت دو برابر، هزینه در راه اشرار و گناه، محروم شدن از رحمت، قبول نشدن نماز و عبادات، اخراج از مسجد، هم ردیفی با رباخواران. (75)

1 - تلف شدن اموال. حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«ما ضاع مال فی البرّ و لا فی البحر الا بتضییع الزّکاة» (76)

«هیچ مالی در خشکی و دریا ضایع نمی شود، مگر به ضایع ساختن زکات.»

2 - خسارت دو برابر. در روایتی آمده است:

«مَنْ مَنَعَ حَقًّا لِلَّهِ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِثْلِيهِ» (77)

«کسی که حق خدا را نپردازد (در راه حق مال خود را صرف نکند) دو برابر آن را در راه باطل صرف خواهد کرد.»

3 - هزینه کردن در راه اشرار و گناه. امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَأَعْلَمُ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَنْفِقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ابْتِلَى بِأَنْ يَنْفِقَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ يَمِشْ فِي حَاجَةِ وَلِيِّ اللَّهِ ابْتِلَى بِأَنْ يَمِشَ فِي حَاجَةِ عَدُوِّ اللَّهِ.» (78)

«بدان، کسی که مال خود را در راه اطاعت خداوند صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خداوند گرفتار می شود و هر کس در حلّ مشکلات ولیّ خدا گامی بر ندارد، خداوند او را بر تلاش و حرکت در راه حلّ مشکلات دشمن خدا گرفتار می کند.»

4 - محروم شدن از رحمت الهی. امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که حق خداوند را از مالش نپردازد، سزاوار است که خداوند رحمت خود را از او دریغ کند.» (79)

5 - قبول نشدن نماز. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«نماز و عبادت کسی که زکات نمی پردازد همچون لباس کهنه ای در هم پیچیده و به صورت او پرتاب می شود.» (80)

امام رضا علیه السلام فرمود:

«خداوند نماز و زکات را [در قرآن] قرین یکدیگر قرار داده و نماز بی زکات پذیرفته نیست.» (81)

6 - اخراج از مسجد. امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و با جمله «قم یا فلان» پنج نفر را از مسجد اخراج کرد و فرمود: شما که زکات نمی دهید از مسجد بیرون بروید.» (82)

7 - هم ردیفی با رباخواران. پرداخت نکردن زکات، خیانت، شرک و نوعی سرقت به شمار می آید؛ زیرا سه نوع سارق داریم که یکی از آنان کسی است که زکات نمی دهد. (83)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«مانع الزکاة کأکل الربا» (84)

«کسی که زکات ندهد همچون رباخوار است.»

پی نوشت ها :

- 1 - معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، ج 3، ص 16 - 17.
- 2 - کتاب العین، ج 5، ص 394.
- 3 - المفردات، ماده «زکو».
- 4 - المیزان، ج 15، ص 9؛ ترجمه المیزان، ج 15، ص 12.
- 5 - مصباح الفقیه، کتاب الزکوة، ص 2.
- 6 - فرهنگ معین، ج 2، ص 1742.
- 7 - تبیین اللغات لتبیین الایات، محمد قریب، ج 1، باب زکوة.
- 8 - وافى، ج 10، ص 156.
- 9 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 42.
- 10 - وافى، ج 10، ص 33.
- 11 - سوره حج (22) آیه 41.
- 12 - بحارالانوار، ج 96، ص 29.
- 13 - همان، ص 30.
- 14 - مستدرک الوسائل، ج 1، ص 507.
- 15 - بحارالانوار، ج 79، ص 234.
- 16 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 53.

- 17 - همان، ص 32.
- 18 - همان، ص 684.
- 19 - همان، ص 58.
- 20 - بحارالانوار، ج 96، ص 29.
- 21 - سوره حج (22) آیه 41.
- 22 - سوره توبه (9) آیه 103.
- 23 - همان، آیه 104.
- 24 - تفسیر علیا، دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی، ص 252 - 253 ؛ به عنوان نمونه سوره احزاب (33) آیه 33 ؛
سوره مجادله (58) آیه 13.
- 25 - منابع مالی دولت اسلامی، اسدالله بیات، ص 25 (بحث زکات).
- 26 - سوره فصّلت (41) آیه 7.
- 27 - سوره توبه (9) آیه 103.
- 28 - المیزان، ج 9، ص 377 ؛ ترجمه المیزان، ج 9، ص 512.
- 29 - بحارالانوار، ج 96، ص 15 ؛ امالی طوسی، ج 2، ص 136.
- 30 - همان، ص 12.
- 31 - همان، ص 20.
- 32 - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج 1، ص 590.
- 33 - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج 1، ص 589 - 590.
- 34 - جواهر الکلام، ج 15، ص 13.
- 35 - سوره مریم (19) آیه 31 ؛ سوره بقره (2) آیه 43 ؛ سوره بینه (98) آیه 5.
- 36 - زکات، محسن قرائتی، ص 19 - 22.
- 37 - المیزان، ج 9، ص 377.
- 38 - فروع کافی، ج 3، ص 509، ح 1.
- 39 - شرایع، ج 1، ص 107 ؛ شرح لمعه، ص 13 - 30.
- 40 - سوره توبه (9) آیه 60.
- 41 - تفسیر المیزان، ج 9، ص 313.
- 42 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 48.
- 43 - نورالثقلین، ج 5، ص 346.
- 44 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 52 و 69.
- 45 - «حَصَّنُوا اَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» همان، ص 49.
- 46 - همان، ص 65.
- 47 - همان، ص 33.
- 48 - سوره اعراف (7) آیه 156.
- 49 - سوره لیل (92) آیه 5 - 7.

- 50 - وسائل الشیعه، ج 6، ص 10.
- 51 - سورہ مائدہ (5) آیہ 12.
- 52 - کنز العمال، ج 6، ص 96.
- 53 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 45.
- 54 - همان، ص 35.
- 55 - سورہ توبہ (9) آیہ 5.
- 56 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 223.
- 57 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 53.
- 58 - «زکّوا اموالکم تقبل صلاتکم» جامع الاحادیث، ج 9، ص 29.
- 59 - زکات، محسن قرائتی، ص 38 - 45.
- 60 - وافی، ج 10، ص 51.
- 61 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 273.
- 62 - سورہ حجرات (49) آیہ 9.
- 63 - سورہ توبہ (9) آیہ 11.
- 64 - وافی، ج 10، ص 51.
- 65 - سفینة البحار، ج 3، ص 474.
- 66 - وافی، ج 10، ص 50.
- 67 - زکات، محسن قرائتی، ص 49 - 55.
- 68 - همان، ص 51 - 53.
- 69 - سورہ بقرہ (2) آیہ 251.
- 70 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 56.
- 71 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 285.
- 72 - همان، ص 24.
- 73 - زکات، محسن قرائتی، ص 56 - 58.
- 74 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 242.
- 75 - خمس و زکات، محسن قرائتی، ص 123-25؛ فروع دین (زکات)، آية الله سيد محمد شیرازی، ص 190-193.
- 76 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 50.
- 77 - وافی، ج 10، ص 42.
- 78 - وسائل الشیعه، ج 6، ص 25.
- 79 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 57.
- 80 - همان، ص 30 و 33.
- 81 - جامع الاحادیث، ج 9، ص 30.
- 82 - همان، ص 31.
- 83 - تهذیب، ج 10، ص 153.

